

نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام

حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی*

اشاره

در میان زنان مشهور تاریخ، حضرت خدیجه علیها السلام، شخصیت انکارناپذیر تاریخ اسلام است. اگرچه سینه تاریخ در احوال و فداکاری‌های او، جز چند برگگی بیش در گنجینه خود ندارد، اما همین فضایل ثبت شده در صفحات زمان، چشم‌ها را خیره کرده و پندهای عبرت‌آموزی را فراروی حقیقت‌جویان ترسیم نموده است. در میان فضایل انسانی و معنوی حضرت خدیجه علیها السلام، هزینه شدن اموال فراوان او در راه اسلام، از شهرت بیشتری برخوردار است.

در این نوشتار، ضمن تبیین نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیش‌برد اسلام، با چهره مؤثر آن بانوی بزرگوار و نیز چگونگی کمک‌های مختلف اقتصادی و روانی حضرت خدیجه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله آشنا می‌شویم.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شناخت شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

بررسی نقش حضرت خدیجه در پیش‌برد اسلام، نیازمند شناخت شخصیت و زندگی ایشان می‌باشد.

حضرت خدیجه علیها السلام، دختر خویلد بن اسد^۱، از زنان فداکار و با فضیلت اسلام، نخستین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادر فاطمه زهرا علیها السلام است. وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله خویشاوندی نزدیکی دارد و با سه واسطه در نسب، به قصی بن کلاب می‌رسد که جد چهارم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. نام مادر حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه دختر زائد، از تیره عامر بن لؤی است.^۲ نوفل (پدر ورقه)، حزام (پدر حکیم و از اصحاب رسول خدا) و عوام (پدر زبیر)، از اشخاص سرشناس قریش، همگی برادران خدیجه علیها السلام هستند.^۳

حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال پیش از عام الفیل، در مکه متولد شد. در دوران جوانی با تجارت و بازرگانی، از نظر مادی جزو ثروتمندترین افراد قریش شد^۴ و چون خود را به دست امواج سهمگین جاهلیت نسپرد، در نزد قریش جایگاه رفیعی یافت و به درجه‌ای از کمال و پاکی رسید که به او لقب «طاهره» دادند.^۵ بعد از اسلام نیز به عنوان نخستین «أم المؤمنین» در قرآن مورد توجه قرار گرفت.

حضرت ابوطالب رضی الله عنه به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه علیها السلام که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، جناب خدیجه علیها السلام را چنین توصیف کرده است:

۱. ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة أنساب العرب، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق، ص ۱۲۰.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳.

۳. ابن حزم، جمهرة أنساب العرب، پیشین، ص ۱۲۱. ابن حجر، الإصابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دار القلم، ج ۱، ص ۱۹۹؛

ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۳.

۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق: علی معوض و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۷۹؛ ابن حجر،

الإصابة، پیشین، ج ۸، ص ۳۴۷؛ حلبی، أبوالفرج، السیرة الحلبیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۹۹.

«إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةٌ مَيْمُونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَتَحْذَرُ الشَّنَارَ؛^۱ همانا خدیجه، بانویی کامل، پرمیمت و مبارک و زینده است؛ بانویی که ساحتش از هر ننگ و بدنامی دور بوده، با شخصیت و آبرومند است.»

محمد بن عمر بن واقد، از نفیسه دختر منیه (از زنان هم عصر حضرت خدیجه علیها السلام) نقل می‌کند:

«خدیجه، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی، بانویی خردمند، دوراندیش و والاگهر بود. خداوند متعال برای او خیر و کرامت اراده نمود. خدیجه از نظر نسب، شرف و ثروت، برگزیده‌ترین زن قریش بود. تمام مردان قریش در آرزوی ازدواج با او بودند و برای این منظور، از او خواستگاری کرده و [حتی] حاضر بودند، مهریه‌ای سنگین بپردازند.»^۲

نخستین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین زنی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد؛^۳ جلد هشتم *طبقات الکبری* به معرفی زنان صحابه اختصاص دارد. در این بخش از کتاب مزبور، ابن سعد ابتدا شرح حال خدیجه علیها السلام و در ادامه، شرح حال دختران آن حضرت را آورده است. یعقوبی به نقل از عمار بن یاسر درباره خواستگاری رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه گوید:

«من آگاه‌ترین مردم به ازدواج خدیجه با رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم؛ زیرا من دوست پیامبر بودم. روزی من و پیامبر میان صفا و مروه راه می‌رفتیم. در راه به خدیجه دختر خویلد و خواهرش هاله برخوردیم. هاله پیش من آمده، گفت: ای عمار، آیا دوست تو علاقه‌ای به خدیجه دارد؟ گفتم: به خدا سوگند نمی‌دانم! خود را به پیامبر که از من دور شده بود، رساندم و سخنان هاله را به او بازگفتم. فرمود: «بازگرد و با او روزی را برای

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۵۶.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابن حجر، الإصابة، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۱.

۳. مسعودی، مروج الذهب، قم: مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۳.

خواستگاری قرار بگذار.» من چنان کردم. چون آن روز فرارسید، خدیجه پدرش مرده بود. پس، به سراغ عمویش عمرو بن اسد فرستاد. محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به همراه چند تن از عموهایش که ابوطالب پیشاپیش آنان حرکت می‌کرد، آمدند. ابوطالب در جلسه خواستگاری ضمن ستایش خداوند متعال و معرفی خاندان خود، گفت: همانا برادرزاده من، محمد بن عبدالله با مردی از قریش سنجیده نمی‌شود؛ مگر آن‌که بر وی برتری می‌یابد و با کسی مقایسه نمی‌گردد؛ مگر آن‌که از او بزرگتر است. و اگر به مال اندک است، مال، روزی دگرگون‌شونده و سایه‌رونده است. او به خدیجه مایل، و خدیجه نیز به او علاقه‌مند است و کابینی که از او می‌خواهید، از مال من پرداخت خواهد شد. سپس مهریه ایشان را دوازده اوقیه (چهل درهم) قرار داد.^۱

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سن ۲۵ سالگی تا سن ۵۰ سالگی، یعنی قریب ۲۵ سال از عمرش را که تمام دوران جوانی آن حضرت بود، با خدیجه گذراند و تا خدیجه زنده بود، با زن دیگری ازدوج نکرد. بعد از درگذشت آن بانوی مکرمه نیز همیشه از او یاد می‌کرد و او را بهترین همسرش می‌دانست.

در منابع تاریخی فرزندان برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ذکر شده است که همگی آنان قبل از اسلام درگذشتند.^۲ فاطمه زهرا رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، تنها یادگار باقی‌مانده از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بود که خداوند متعال امامت را در نسل او قرار داد.

تأثیر مسلمانی خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا در گسترش اسلام

ابتدای بعثت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در مدت سه سال دعوت پنهانی آن حضرت، تنها چند نفر از خاندان ایشان مسلمان شدند. در میان مردان، نخستین شخص، حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و از بین زنان، خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بود.^۳

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۶؛ یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۳۲؛ ابن عبدالبر، الإستیعاب، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۹.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۵.

بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه علیها السلام می‌توانست، توان تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بالا برده و راهکاری مناسب برای برون‌رفت از مشکلاتی باشد که اسلام نیاوردن برخی نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن حضرت به وجود آورد.

کیفیت حضور خدیجه علیها السلام در نماز همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله، علاوه بر آن‌که مایه خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام در بین زنان را نیز فراهم ساخت. عقیف کندی در چگونگی این حضور گوید:

«من مرد تاجری بودم و در یکی از روزها با عباس بن عبدالمطلب که به تجارت اشتغال داشت، به قصد خرید و فروش وارد گفتم و گو شدم. ناگهان مردی از گوشه در وارد شد و در مقابل کعبه ایستاد و به نماز مشغول شد. پس از او، زنی و بعد، جوانی آمدند و با او به نماز مشغول گردیدند. از عباس درباره این دین پرسیدم؟ عباس گفت: این محمد بن عبد الله است که گمان می‌کند رسول خداوند است و به همین زودی‌ها، گنج‌های کسری و قیصر به روی او گشوده می‌گردد! او نیز خدیجه دختر خویلد، همسر او است که به وی ایمان آورده و آن جوان هم پسر عمویش علی بن ابی‌طالب است که به او گرویده است.» عقیف گوید: «کاش من آن روز به او ایمان آورده بودم و از وی پیروی می‌کردم!»^۱

جایگاه خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله

در روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام از زنان بهشتی و از بهترین زنان و در کنار حضرت مریم بنت عمران علیها السلام، و آسیه که قرآن کریم به بهشتی بودن آنان بشارت داده، یاد شده است.^۲ در ثنای او همین بس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که حق تعالی بهتر از او به من نداد. وی ایمان آورد؛ در حالی مردم کافر بودند. مرا تصدیق کرد؛

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۷۴.

۲. بخاری، صحیح بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید

السلفی، قاهرة: مكتبة ابن تیمیة، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

زمانی که مردم مرا تکذیب کردند. مرا با اموالش همراهی کرد. خداوند مرا از او به فرزندان روزی داد؛ هنگامی که مرا از فرزندان زنان دیگر محروم کرد.»^۱
 در روایتی دیگر، چنین آمده است که: «إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: اقْرَأْ خَدِيجَةَ السَّلَامِ مِنْ رَبِّهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَائِيلُ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ، فَقَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ؛^۲ جبرئیل نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: از طرف خدای بلندمرتبه به خدیجه سلام می‌رسانم. آن حضرت فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که از طرف خداوند به شما سلام می‌رساند. خدیجه فرمود: خداوند متعال، خود سلام است. سلام، از او است و بر جبرئیل نیز سلام باد.»

در روایات بسیاری حضرت خدیجه رضی الله عنها از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله مدح شده است؛ چنان که روایت شده پیامبر فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدیجه را به خانه‌ای مرصع به یاقوت و زبرجد [در بهشت] مژده ده که نه صدایی در آن است و نه بیماری و سختی.»^۳ علاوه بر مدح شخص حضرت خدیجه رضی الله عنها، از خانه وی، پس از مسجدالحرام، به عنوان برترین خانه‌های مکه یاد شده است و این فضیلت خانه خدیجه رضی الله عنها از آن رو می‌باشد که آیات بسیاری از قرآن کریم در این خانه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و فرزندان خدیجه رضی الله عنها در این خانه به دنیا آمده‌اند.^۴

علاوه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت آن حضرت نیز همواره افتخار می‌کردند که مادرشان خدیجه رضی الله عنها است. امام حسین رضی الله عنه در مقابل لشکر ابن زیاد در خطابه‌ای فرمود: «هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ...؛^۵ آیا می‌دانید که مادربزرگ من، خدیجه دختر خویلد است...». در بین زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، این افتخار نصیب حضرت خدیجه رضی الله عنها

۱. طبری، محب‌الدین، الرياض النضرة، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. ابن حجر، الإصابة، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۲.

۳. ابن قانع، معجم الصحابة، تحقیق: صلاح بن سالم مصراتی، مدینه منوره: مکتبه الغریاء الأثریة، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛

طبرانی، المعجم الکبیر، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۸.

۴. سندی، رحمت الله، لباب المناسک و عیاب المسالک، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد، بیروت: دار قرطبة، ۱۴۲۱ق،

ص ۲۹۴-۲۹۷.

۵. فتال النیشابوری، روضة الواعظین، تحقیق: سید حسن الخرسان، قم: منشورات الرضی، ج ۱، ص ۴۲۱.

شد که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق او باقی بماند و یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل او و از طریق فاطمه علیها السلام به وجود بیاید.

خدیدجه علیها السلام، یار همیشه همراه

خدیدجه علیها السلام، زنی نمونه در تمام مراحل زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به ویژه در مراحل دعوت آن حضرت بود. او، همسری همراه، مهربان و دل‌سوز برای آن حضرت به شمار می‌رفت. سال‌ها پیش از بعثت، هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله طبق عادت هر ساله برای مدتی برای عبادت به کوه حرا می‌رفت تا خود را آماده دریافت وحی نماید، حضرت خدیجه علیها السلام ضمن همدلی با او، پیوسته او را پشتیبانی می‌کرد. گاه با بردن توشه غذا برای آن حضرت، در پایین کوه حرا ایشان را ملاقات می‌کرد و همچنین هنگامی که آن حضرت در غار حرا به نبوت برگزیده شد و نخستین وحی الهی را دریافت کرد، وی اولین زنی بود که آن حضرت را تصدیق کرد و همه ثروت و دارایی خویش را در راه دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله ایثار کرد.^۱ او در سال‌های نخست بعثت، یار و غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. هنگامی که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم، هم‌پیمان شدند و آنان را در شعب ابی‌طالب محصور کردند و از هر گونه ارتباط آن‌ها با قبایل دیگر ممانعت می‌ورزیدند، حضرت خدیجه علیها السلام با فرستادن نمایندگان از طرف خود، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادرزاده‌اش، حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه کرد.^۲

حضرت خدیجه علیها السلام در تمام مدت دوران بعثت، به ویژه در دوران سه سال محصور شدن بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب، اموالش را در راه حفظ و ماندگاری اسلام انفاق کرد^۳ و در همه سختی‌ها و رنج‌ها، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. همین همراهی و همدلی

۱. بلاذری، أنساب الأشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بلاذری، أنساب الأشراف، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱.

خدیدجه علیه‌السلام، مایه آرامش پیامبر در برابر آزارهای مشرکان بود. علاوه بر خدیدجه علیه‌السلام، خواهرش امیمه نیز به تأسی از او، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را همراهی نمود و در مواردی نیز از زنان برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیعت گرفت.^۱

ثروت خدیدجه علیه‌السلام و پیشرفت اسلام

خدیدجه علیه‌السلام قبل از این‌که با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ازدواج کند، از ثروت‌مندترین زنان جزیره العرب بود. بخش مهم ثروت او، از طریق تجارت به دست آمده بود. به نظر می‌رسد، دست‌کم بخشی از ثروت حضرت خدیدجه علیه‌السلام از طریق پدرش به وی به ارث رسیده باشد. حضرت خدیدجه علیه‌السلام اموالش را به مضاربه به مردان امینی می‌سپرد تا به سفرهای تجارتهای بروند و بعد از بازگشت، سود حاصله را برابر قانون مضاربه تقسیم کنند. از این رو، با شناختی که قبل از بعثت از درایت، راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق نیکوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشت، از او خواست تا به همراه غلامش میسره، برای تجارت به شام برود.^۲

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پذیرفتن پیشنهاد خدیدجه علیه‌السلام، کاروان را تا شام همراهی کرد و با دادوستدهای خود، کاروان را از سود سرشاری بهره‌مند ساخت. خدیدجه علیه‌السلام نیز آنچه را که وعده کرده بود، به آن حضرت پرداخت.^۳

راز موفقیت خدیدجه علیه‌السلام در تجارت، به کارگیری مردان امین و با درایت بود. درباره مقدار دقیق اموال این بانوی بزرگوار به هنگام ظهور اسلام، سندی در دست نیست؛ ولی از آن‌جا که قریش تشکیلات اقتصادی کارآمدی داشت و تجارت، نقش اصلی را در اقتصاد آنان ایفا می‌کرد، می‌توان تخمین زد که ثروت بازرگانی خدیدجه علیه‌السلام، در منطقه

۱. رک: رازی، ابوالفتح، روض الجنان، به کوشش: محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی،

۱۳۷۱ش، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲. ابن کثیر، ابوالفداء حافظ، البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۹۴.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، پیشین، ج ۸، ص ۱۳.

حجاز، نقش مؤثر و پُر اهمیتی را برای معرفی و پیش‌برد اسلام ایفا کرده و در جاهای مختلف، غبار غم از چهره مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله زدوده است.

حضرت خدیجه علیها السلام به جهت انفاق اموال خود، مصداق کامل و بارز آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره^۱ است که می‌فرماید: «آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند. آن‌گاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند. [اینان] پاداش‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.»

آری، آن حضرت بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک‌آلود جهان عصر بعثت، در اختیار آخرین فرستاده الهی گذاشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما نَفَعْنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلُ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ؛^۲ هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.»

اموال خدیجه علیها السلام به قدری زیاد بود که ظاهراً تا هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه، توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی رضی الله عنه دستور داد به کمک اموال باقی‌مانده خدیجه علیها السلام برای هجرت خود و فواطم (فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت محمد و فاطمه بنت زبیر بن عبد المطلب) و کسانی از بنی‌هاشم که همراه او هجرت کنند، چند عدد شتر بخرد. ابوعبیده گوید: به عبیدالله ابن ابی‌رافع، گفتند: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی داشت که این گونه خرج کند؟ گفت: من از پدرم درباره همین موضوع پرسیدم. گفت: مگر از ثروت خدیجه علیها السلام خبر نداری؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مالی به اندازه ثروت خدیجه مرا نفع نداد. تا زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، با مال خدیجه علیها السلام بدهکار و اسیر را آزاد، و از ناتوان دست‌گیری می‌کرد و به نیازمندان می‌بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می‌کرد و هزینه آنان را که می‌خواستند هجرت کنند، می‌پرداخت. خدیجه علیها السلام

۱. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا اتَّفَقُوا مِنْهَا وَلَا أذى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.»

۲. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶۸.

علاوه بر وقف اموال خود، بهترین یار صمیمی او در خانه و در برابر فشارهای روانی قریش بر رسول خدا ﷺ بود.^۱

بدین ترتیب، ثروت خدیجه رضی الله عنها در راه گسترش اسلام نقش مؤثری را ایفا کرد؛ به ویژه زمانی که قریش با به‌کارگیری همه توان خود، از حربه اقتصادی نیز غافل نماند و با ایجاد تنگناهای مالی، مدت سه سال پیامبر و یارانش را در محاصره کامل اقتصادی قرار داد. در چنین شرایطی، اموال خدیجه رضی الله عنها توانست در راه پیش‌رفت و تقویت اسلام بخش مهمی از توطئه‌های اقتصادی قریش را خنثا نماید و کمک شایسته‌ای به مسلمانان در این زمینه باشد.

حضرت خدیجه رضی الله عنها علاوه بر کمک به اهداف دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، به عواطف آن حضرت نیز همواره پاسخ مثبت می‌داد؛ چنان‌که وقتی حلیمه سعیدیه، دایه رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت آمد و حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایش شکایت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه در این باره سخن گفت و آن حضرت، چهل گوسفند و یک شتر بارکش به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش بازگرداند.^۲

ثویبه، دایه دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز با این‌که چند روزی بیشتر آن حضرت را شیر نداده بود، علاوه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد تقدیر حضرت خدیجه رضی الله عنها بود و از عنایات او بی بهره نماند. حضرت خدیجه رضی الله عنها ضمن نیکی به او، از ابولهب، عموی آن حضرت خواست ثویبه را به او بفروشد تا آزادش کند؛ ولی ابولهب پیشنهاد خدیجه رضی الله عنها را نپذیرفت و از فروختن وی سر باز زد.^۳

نمونه دیگر، خریدن زید بن حارثه و بخشیدن آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بازار نوجوان زیبارویی را دید که از عقل و ادب برخوردار بود، فرمود: اگر نزد من مالی بود، او را خریداری می‌کردم.^۴ حضرت خدیجه به محض

۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

شنیدن سخن آن حضرت، زید را به هفت صد درهم خرید و آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله اهدا کرد^۱ و آن حضرت نیز زیاد را پذیرفت و سپس او را آزاد کرد. ایثار حضرت خدیجه علیها السلام در صرف اموال خود برای پیش برد دعوت الهی پیامبر صلی الله علیه و آله، سرمشق زنان مسلمان گشت و آنان در مقاطع مختلف دوران هجرت، با اهدای اموال و زیورآلات خویش، بنیه‌های اقتصادی دولت تازه تأسیس مدینه را تقویت کردند و آن را از تنگناهای مالی نجات دادند و با ایثارگری خود، در حل مشکلات اقتصادی مدینه قدم برداشتند. از نمونه‌های بارز این تأسی به حضرت خدیجه علیها السلام، فداکاری «رمله» دختر حارث بن ثعلبه است که خانه وسیع و نزدیک به مسجد خودش را در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله گذاشت و آن منزل به جهت موقعیت مناسبی که داشت، مورد استفاده‌های متفاوتی مانند مهمانسرای حکومتی و محل ملاقات حضرت با رؤسای قبایل قرار گرفت.^۲

نقش عاطفی خدیجه علیها السلام

ایثار اموال، تنها کمک حضرت خدیجه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود؛ چه این که ایجاد زمینه‌های مناسب برای تبلیغ آن حضرت و موضع‌گیرهای شایسته او در موقعیت‌های مختلف نیز کمک شایانی به پیامبر می‌نمود. البته باید به این نکته توجه داشت که ملاک انتخاب شدن خدیجه علیها السلام از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان همسر، نه ثروت او و نه قبیله و تبارش بود، بلکه پاکی و صداقت خدیجه علیها السلام و ایمان و عشق او به پیامبر صلی الله علیه و آله و راهی که در پیش گرفته بود، از هر چیزی در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله با ارزش تر بود. از طرف دیگر، حضرت خدیجه علیها السلام هرگز از رنج‌ها و گرفتاری‌های راه رسالت، شکایتی نکرد و موجب تضعیف روحیه همسرش نشد و این همراهی و همدلی، از کمک‌های مالی خدیجه علیها السلام نیز بالاتر بود.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق،

ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. ابن اثیر، أسد الغابة، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۵.

آری، حضرت خدیجه علیها السلام قدر و ارزش رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نیکویی شناخت و با تمام وجود با آن حضرت پیوند خورد و تمام ایثار و احسان او نیز از همین بینش مایه می‌گرفت. از این رو، پیوسته در جهت یاری آن حضرت می‌جوشید و هرگز رنج‌ها و سختی‌ها، عامل سستی و روی‌گردانی او نشد و در راستای رشد و توسعه اسلام، بیشترین کمک عاطفی و روحی را به رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمود.

تکریم حضرت خدیجه علیها السلام

زمان درگذشت حضرت خدیجه علیها السلام را به اختلاف، سه تا سی و پنج روز پس از درگذشت ابوطالب، در دهم رمضان سال دهم بعثت، یعنی سه سال پیش از هجرت^۱ و در سن ۶۵ سالگی دانسته‌اند.^۲ بدن مطهر آن حضرت علیها السلام، در قبرستان حجون دفن شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این مصیبت سخت محزون گشت و آن سال را به جهت از دست دادن دو یار با وفای خویش، سال حزن و اندوه نامید.^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله با ردایی که پیوسته دست و صورت خود را با آن پاک می‌کرد و به هنگام نزول وحی بر سر می‌کشید، حضرت خدیجه علیها السلام را کفن کرد و با دست خویش درون قبر نهاد.

خدیجه علیها السلام همسر مهربان و باوفا و یاور صمیمی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. تاریخ جهان، زنی همانند خدیجه علیها السلام که این گونه در راه خدا و رسیدن به اهداف مقدس شوهرش خدمت‌گزار باشد، به خود ندیده است.^۴ از این رو، آن حضرت پیوسته در تمام طول زندگانی خود، هنگامی که نام خدیجه به میان می‌آمد، خاطره آن بانوی فداکار را به بزرگی یاد می‌نمود و برایش استغفار می‌کرد؛ تا جایی که دوستان حضرت خدیجه علیها السلام را تکریم می‌نمود^۵ و با فرستادن هدیه برای آنان، یاد آن بانو را در خاطره‌ها زنده نگاه

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۵؛ مقریزی، تقی‌الدین، إمتاع الأسماع، به کوشش: محمد عبدالحمید، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۵.

۴. میرشریفی، سید علی، پیام‌آور رحمت، تهران: سمت، ۱۳۸۵ش، ص ۵۵.

۵. بلاذری، أنساب الأشراف، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۹.

می‌داشت.^۱ حتی حسادت برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مانع نمی‌شد تا آن حضرت دست از تحسین خدیجه بردارد. شهید مطهری، نمونه عالی نقش مؤثر زنان در تمدن اسلام را به حضرت خدیجه علیها السلام مثال زده و چنین می‌نویسد:

«هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می‌کنیم که در آن وقت، سخت مایه تسلی خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. این بانو، «خدیجه» محترمه است که پانزده سال از رسول اکرم بزرگ‌تر بوده و وقتی که از دنیا رفت، تقریباً شصت و پنج ساله بود؛ اما رسول خدا تا پایان [عمر]، او را فراموش نمی‌کرد و نامش که برده می‌شد، گاهی اشک در چشمش حلقه می‌زد و می‌گفت: نمی‌دانید از وقتی که مرا تنها گذاشته بودند، این زن چه فداکاری‌ها کرد.»^۲

۱. بخاری، صحیح بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن حبان، صحیح بن حبان بترتیب ابن بلبان، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۶۷.

۲. ر.ک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، ج ۱۷، ص ۴۰۴.